نگاهی به تقی‌زاده در سالگرد درگذشتش

چهره دوگانه تقی‌زاده

محمدعلی بهمنی قاجار و حجت یحیی‌پور: سیدحسن تقی‌زاده در سال ۱۲۵۷ خورشیدی در تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش پشت سر گذاشت و در نخستین فعالیت فرهنگی همراه چند نفر از نزدیکان خود کتابخانه‌ای در شهر تبریز افتتاح کرد و آنجا را به قرائتخانه و پاتوق روشنفکران زمان خود تبدیل کرد. گشایش این کتابخانه، تقی‌زاده را خیلی زود با تحولات جهان و ارکان و مفاهیم نظم نوین آشنا کرد. در سال ۱۲۸۱ درحالی‌که تنها ۲۴ سال داشت، به جهت نشر افکار و عقاید خود و با کمک جمعی دیگر از فرهیختگان تبریز نشریه «گنجینه فنون» را تأسیس کرد. مدتی بعد تقی‌زاده سفری به کشورهای منطقه از جمله قفقاز و مصر داشت و از شام و بیروت نیز بازدید کرد. او در این سفر با جمعی از دانشمندان و محققان از جمله جرجی زیدان آشنا شد و با اندوخته‌ای از دانش و تجربه بیشتر به تبریز بازگشت و رساله‌ای تحت عنوان «تحقیق حالات کنونی ایران» منتشر کرد. تقی‌زاده در یک خانواده مذهبی رشد کرد. پدرش روحانی بود و خود نیز در جوانی مانند پدر جامه روحانیت بر تن داشت. به‌زودی با اندیشه‌های فتحعلی آخوندزاده و طالبوف آشنا شد و خواستار تغییر و تحول در ساختار سیاسی ایران و ایجاد حکومت نوین مبتنی بر ملی‌گرایی، مدرنیته، قانون‌مداری و حکومت مرکزی قدرتمند شد. تقی‌زاده در آستانه انقلاب مشروطه از جایگاه بالایی در جامعه تبریز برخوردار بود و با ایراد خطابه‌های پرشور در محافل مشروطه‌خواهان تبریز، افکار مترقی و بینش بالای سیاسی‌اش مورد توجه مردم قرار گرفت و پس از پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ خورشیدی در جریان نخستین انتخابات پارلمانی ایران اهالی تبریز او را به نمایندگی خود انتخاب کردند. هنگامی که به‌عنوان نماینده تبریز در مجلس اول انتخاب شد هنوز به ۳۰ سالگی نرسیده بود و این باعث شد در ابتدای ورود به مجلس توسط دیگر نمایندگان چندان جدی گرفته نشود اما با چند نطق آتشین آن‌چنان نمایندگان را تحت تأثیر قرار داد که هرکدام برای جلب دوستی و هم‌نشینی او با دیگران رقابت می‌کردند. در مجلس اول رویکرد تقی‌زاده نزدیک‌شدن به نیروهای تندرو مخالف محمدعلی شاه بود. تقی‌زاده به‌سرعت با «اجتماعیون عامیون» و «انجمن آذربایجانی‌ها در تهران» و دیگر انجمن‌های مشابه پیوند خورد و با توجه به توانایی‌های شخصی به یکی از رهبران اصلی مخالفان محمدعلی شاه تبدیل شد. برخلاف آنچه در منابع دست‌اول آمده است، سیدحسن تقی‌زاده در قبال محمدعلی‌شاه قاجار رویکردی سراسر خصمانه اتخاذ نکرد و حتی در مواردی به تجلیل از پادشاه وقت قاجار پرداخت و جهت مصالحه میان شاه و مجلس کوشید و خود بعدها از اینکه این تلاش‌ها با تندروی عده‌ای به بن‌بست رسید، ابراز تأسف کرد. باید در نظر داشت که فریدون آدمیت و احمد کسروی، دو نویسنده برجسته تاریخ مشروطیت، نگاه خوبی به سیدحسن تقی‌زاده نداشتند و از وی چهره‌ای به‌شدت تندرو ترسیم کرده‌اند که نقش اصلی را در واقعه ترور «اتابک اعظم» و بعدها «سیدعبدالله بهبهانی» داشته است؛ این در حالی است که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان نقش تقی‌زاده در این تندروی‌ها را اثبات کرد. برخی اقدامات مشروطه‌خواهان تندرو که اوج آن ترور اتابک اعظم و سوءقصد به جان محمدعلی شاه بود، مانع از مصالحه میان شاه و مجلس شد و زمینه‌ساز انحلال مجلس و به‌توپ‌بستن مجلس شد. این حوادث به وقوع جنگ داخلی میان قوای استبداد و مشروطه‌خواهان، محاصره تبریز و سرانجام فتح تهران و عزل محمدعلی شاه از سلطنت انجامید. قوای محمدعلی شاه پس از به‌توپ‌بستن مجلس در تلاش برای دستگیری تقی‌زاده بودند. تقی‌زاده در روز به‌توپ‌بستن مجلس به‌دلیل کسالت در خانه بود و هنگامی که از حرکت قوای شاه جهت بازداشت خود و دوستانش اطلاع یافت، به همراه دهخدا، تربیت و بسیاری دیگر از مشروطه‌خواهان به سفارت انگلستان پناهنده شد. به‌دنبال مذاکرات انجام‌شده میان دربار و سفارت، تقی‌زاده از ایران تبعید شد و به اروپا رفت و در آنجا فعالیت‌های خود علیه محمدعلی شاه را ادامه داد. در مقاله‌ای که در شماره ۱۵ اکتبر ۱۹۰۸ در تایمز لندن نوشت، از مظالم استبداد و قزاق‌ها و روس‌ها آنچه را که خواست بر قلم جاری کرد. مدتی بعد و هم‌زمان با محاصره تبریز توسط قوای شاه، مخفیانه به تبریز مراجعت کرد و در روزهای سخت تبریز در کنار مردم این شهر بود. نقش سیدحسن تقی‌زاده در اقدامات خشونت‌آمیز آن روزها قابل اثبات نیست اما درباره ارتباط او با جریان‌ها و انجمن‌های تندرو نیز هیچ شکی وجود ندارد. تقی‌زاده در بیان خاطرات خود درباره تلاش‌هایش برای جلوگیری از اقدامات افراطی انجمن‌ها و ایجاد تعادل در مناسبات سیاسی سخن گفته و همچنین در انتقاد از کارنامه خود و یارانش می‌گوید: «مشروطیت ابتدایی و مجلس ملی [مجلس اول] هم نقایص و معایبی داشت و گاهی حتی معایب فاحشی داشت». تقی‌زاده همچنین درباره برخی رفتارها در قبال محمدعلی شاه صراحتا از لفظ «بی‌عدالتی» استفاده می‌کند و معتقد است اگر مجموعه‌ای از حوادث، اعتماد میان شاه و مجلس را بر هم نمی‌زد، محمدعلی‌شاه به چنان سرنوشتی دچار نمی‌شد. در دوره دوم مجلس شورای ملی، ایران برای نخستین‌بار ساختار حزبی را تجربه کرد و بیشتر نمایندگان از میان دو طیف «دموکرات» و «اعتدالیون» انتخاب شدند. حزب دموکرات یک جریان مترقی و البته تندرو بود و سیدحسن تقی‌زاده در جوانی با نبوغی که از خود نشان داد، به یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های دموکرات تبدیل شد. با وجود نزدیکی تقی‌زاده به جریانات تندرو، وی در این سال‌ها نیز رویکرد نسبتا معتدلی اتخاذ کرد و جهت آرام‌کردن فضا تلاش کرد و با وجود برخی اتهامات و شایعات مبنی بر دست‌داشتن او در اعدام شیخ فضل‌الله نوری، از این اقدام نیز انتقاد کرد.

در سال‌های مجلس دوم اختلافات میان دو طیف مجلس بالا گرفت و کار به ترور تعدادی از اعضای دو جناح کشیده شد. پس از ترور سیدعبدالله بهبهانی (از رهبران اعتدالیون) سیدحسن تقی‌زاده متهم اصلی این ترور شناخته شد و مجبور به ترک کشور شد. تقی‌زاده ابتدا به اروپا و سپس به آمریکا سفر کرد و پس از آغاز جنگ جهانی اول راهی آلمان شد. تقی‌زاده در سال‌های سکونت در غرب به مطالعات ایرانشناسی پرداخت و پس از سفر به آلمان با گردآوری ملی‌گرایان و نخبگان سیاسی و علمی ایران از نقاط مختلف جهان «کمیته ملیون ایرانی» را در شهر برلین پایه‌گذاری کرد و روزنامه «کاوه» را تأسیس کرد. فعالیت تقی‌زاده در آلمان، چه از جنبه‌های علمی و چه از نظر سیاسی با تأثیرات عمیقی بر جامعه ایرانی همراه شد. از منظر علمی روزنامه کاوه به مهم‌ترین نشریه در زمینه پژوهش در باب تاریخ و فرهنگ و هویت ایرانی تبدیل شد و مجموعه نفیسی از آثار برجسته‌ترین شرق‌شناسان ایرانی و غربی در آن گردآوری شد. از منظر سیاسی نیز فعالیت‌های تقی‌زاده و یارانش که به نوعی از موفقیت انقلاب مشروطه قطع امید کرده بودند، ایده‌های جدیدی نزد نخبگان سیاسی ایران مطرح کرد و سرنوشت سیاسی ایران را نیز برای همیشه تغییر داد. تقی‌زاده در ایام دوری از وطن نیز به‌صورت غیابی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. اما پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۰۱ خورشیدی بود که شرایط برای ازسرگرفتن فعالیت‌های سیاسی او آغاز شد و بار دیگر به‌عنوان نماینده در مجلس پنجم به تلاش‌های خود ادامه داد. تقی‌زاده در مجلس پنجم با وجود روابط حسنه با رضاخان در کنار معدودی از دیگر نمایندگان صراحتا با خلع قاجار که می‌توانست بدعتی نامبارک در ساختار سیاسی ایران باشد، مخالفت کرد. این مسئله استقلال عمل سیدحسن تقی‌زاده در تصمیم‌گیری‌های سیاسی‌اش را نشان می‌دهد. با وجود مخالفت با خلع قاجار، تقی‌زاده پس از مدت کوتاهی انزوا بار دیگر به عرصه سیاسی ایران بازگشت و در سال ۱۳۰۷خورشیدی به‌عنوان والی خراسان منصوب شد. در سال ۱۳۰۸ به سفارت ایران در لندن تعیین شد و در سال ۱۳۰۹ به وزارت مالیه منصوب شد. در همین سال‌ها قرارداد نفت ایران و انگلیس به‌دنبال مذاکراتی که طی آن تقی‌زاده سرپرست هیئت مذاکره‌کننده ایرانی بود، تمدید شد. تقی‌زاده سال‌ها بعد اعلام کرد که این قرارداد برخلاف میل باطنی او و با دستور رضاشاه منعقد شده و او در جریان این مذاکرات «آلت فعل» بوده است. تقی‌زاده به‌عنوان سفیر ایران در فرانسه نیز انتخاب شد. همزمان با سفارت تقی‌زاده در فرانسه نشریات این کشور رشته انتقادهایی در قبال رضاشاه مطرح کردند، با وجود نارضایتی دربار و درخواست از تقی‌زاده جهت تلاش برای جلوگیری از انتشار مقالات این‌چنینی، تقی‌زاده انتشار مطالب انتقادی را امری عادی و روندی دموکراتیک در این کشور دانست که این مسئله موجب خشم بیشتر رضاشاه و عزل تقی‌زاده از سفارت ایران در فرانسه شد. تقی‌زاده پس از این حوادث به ایران بازنگشت. او در اروپا اقامت کرد و در این سال‌ها پژوهش‌های ایران‌شناسی خود را از سر گرفت. تقی‌زاده در سال ۱۳۱۰ در آلمان با دختری آلمانی ازدواج کرد و نام او را عطیه گذاشت. این ازدواج تا پایان عمر دوام داشت اما فرزندی از آن حاصل نشد. اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه زمینه‌ساز بازگشت دوباره تقی‌زاده به عرصه سیاسی ایران بود. تقی‌زاده به سمت وزیر مختار ایران در لندن منصوب شد. سپس در مجلس پانزدهم شورای ملی بار دیگر به نمایندگی انتخاب شد. در این سال‌ها سیدحسن تقی‌زاده با بیش از ۶۰ سال سن و بیش از سه دهه فعالیت سیاسی و با کوله‌باری از تجربه، نقش تأثیرگذاری در بهبود اوضاع آشفته ایران پس از اشغال کشور داشت و به‌ویژه در راستای حفظ حکومت مرکزی و جلوگیری از ملوک‌الطوایفی‌شدن تلاش کرد. بخشی از ارزنده‌ترین اقدامات تقی‌زاده در آن سال‌ها، رویکرد او در قبال اشغال آذربایجان به دست قوای شوروی و تشکیل فرقه دموکرات بود. در این مدت تقی‌زاده به دلیل محبوبیت و نفوذی که در زادگاه خود داشت، از طریق عناصر محلی در داخل آذربایجان به مقابله با فرقه پرداخت و نیز در سیاست داخلی ایران و در عرصه‌های جهانی فعالانه جهت حفظ تمامیت ارضی ایران و پاکسازی آذربایجان از لوث وجود عناصر شوروی تلاش کرد. پس از پایان غائله فرقه نیز سیدحسن تقی‌زاده پیشگام در تصویب قانون عفو عمومی بود و به این ترتیب منجر به بخشودگی بسیاری از افراد فریب‌خورده و اعضای فرقه دموکرات شد. مدت‌ها بعد و در سال ۱۳۲۷ تقی‌زاده در یک سخنرانی معروف به مخالفت خود با تمدید قرارداد نفت با انگلستان و اینکه این قرارداد به دستور رضاشاه منعقد شد اشاره کرد و مشروعیت این قرارداد را سلب کرد و به‌این‌ترتیب مقدمات حرکت عمومی برای ملی‌شدن صنعت نفت فراهم شد. تقی‌زاده از سال ۱۳۲۸ همزمان با تأسیس نخستین دوره مجلس سنا به نمایندگی مجلس سنا و ریاست آن انتخاب شد. در تلاطم‌های سال‌های وزارت مصدق (اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲) با وجود نگاه منفی‌ای که مصدق به تقی‌زاده داشت اما او هرگز با عناصر و عُمال بیگانگان علیه مصدق همکاری نکرد. حتی پس از سقوط مصدق، سیدحسن تقی‌زاده با درخواست دادستان نظامی به‌منظور تکفیر مصدق به تندی مخالفت کرد. در سال‌های ریاست تقی‌زاده در مجلس سنا، نقش وی در تعدیل و آرام‌کردن فضای سیاسی ایران قابل‌توجه است. تقی‌زاده در سال ۱۳۴۶ به علت کهولت سن از همه فعالیت‌های سیاسی بازماند. او حتی در واپسین سال‌های حیات به فرمان محمدرضا پهلوی به ریاست کنگره ایران‌شناسان درآمد. سیدحسن تقی‌زاده سرانجام در هشتم بهمن ۱۳۴۸ درحالی‌که بیش از ۹۰ سال از زندگی توفانی‌اش سپری می‌شد، به دلیل کهولت سن در تهران درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. تقی‌زاده رجلی پاکدست بود و با وجود ۶۰ سال خدمت در عالی‌ترین مقامات و مناصب، اندوخته مالی نداشت، چنانکه در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد: «جنازه من را به‌طور امانت دفن کنید تا همسرم بتواند بعدها آن را به نجف اشرف برده در کنار پدر و برادرم دفن کند. تقاضا دارم از آنجا که با وجود ۵۰ سال بیشتر خدمات ملی و مملکتی که اوقاتم مستغرق آن بود، اندوخته مالی برای معیشت مرفه عیال خود بعد از مرگ باز نگذاشته‌ام در صورت امکان سعی فرمایند مددی مالی مستمر از خزانه مملکت شاید به‌عنوان مستمری برای عیال من که عمری با وطن‌پرستی ایرانی از من و مصایبی من پشتیبانی کرده و جز من کسی را ندارد برقرار کنند». شخصیت تاریخی سیدحسن تقی‌زاده را نمی‌توان با درنظرگرفتن یک مقطع خاص زمانی از زندگی وی مورد بررسی کامل قرار داد. هرچند در بیش از ۶۰ سال فعالیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی او تلاش برای مترقی‌کردن جامعه سنتی ایران به چشم می‌خورد اما در مجموع و برخلاف نظر دشمنان او، نمی‌توان سیدحسن تقی‌زاده را یک شخصیت غرب‌زده یا با نگاهی بدبینانه دین‌ستیز نامید. تقی‌زاده در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد، پدرش از علمای تبریز بود و خودش نیز جامه روحانیت بر تن داشت. شناختش از دین و مقبولیت بیانش در میان قشر مذهبی چنان بود که بعد از سقوط مصدق دادستان نظامی جهت تکفیر مصدق به تقی‌زاده رجوع می‌کند اما با پاسخ قاطعانه و منفی تقی‌زاده مواجه می‌شود. در تمام مقاطع زندگی، از دوران نمایندگی تا پایان عمر در سخنرانی‌ها و خطابه‌هایش علاقه و عشق او به دین اسلام آشکارا به چشم می‌خورد. در مجموع تقی‌زاده نه‌تنها ضدیتی با دین نداشت بلکه نشانه‌های آشکاری از تدین و دین‌مداری وی موجود است و آن برداشتی که از فعالیت‌های سال‌های جوانی او می‌شود، بیشتر به خاطر احساسات جوانی و اشتیاق ترقی‌خواهی وی بوده است که خود نیز در کهنسالی با نگاهی انتقادی به عملکرد آن سال‌های خود نگریسته است. از نظر سیاسی نیز با وجود همکاری نزدیکی که تقی‌زاده با محافل تندرو و افراطی داشت اما هرگز نشانه‌های دقیقی در ارتباط با صحت شایعات و اتهامات وارده بر او در دست نیست و خود همواره همه این شایعات را تکذیب کرد و در بیان خاطرات خود از نقش معتدل و میانجی‌اش جهت آرام‌کردن طرفین یاد کرده است، این در حالی است که شجاعانه از برخی اقدامات نادرست خود و یارانش در دوره‌های مختلف انتقاد کرده است. از منظر فکری، تقی‌زاده میهن‌پرست و ناسیونالیست بود اما میهن‌پرستی وی هرگز به افراط کشیده نشد، خود وی درباره ملی‌گرایی‌اش می‌نویسد: «من شخصا به ایرانیت سربلند و شرافتمند هستم و از اینکه نَسبم به عرب [پیامبر] می‌رسد افتخار دارم و اگر مرا عرب بخوانند دلگیر نمی‌شوم. از اینکه زبانم ترکی بوده و از ولایت ترکی‌زبانم نیز کمال خرسندی و عزّت نفس دارم و اگر مرا ترک بگویند (نه به قصد طعن و بی‌بهره‌بودن از ایرانیت) آن را بر خود توهینی نمی‌پندارم... لکن البته هیچ چیزی پیش من عزیزتر از ایران نیست و من خود را شش‌دانگ و صددرصد ایرانی می‌دانم، به همان اندازه که کاوه و فریدون یا کورش و داریوش ایرانی بودند، و راضی نیستم یک در هزار هم از ایرانیت خود را با چیز دیگری ولو شریف باشد مبادله کنم و وِردِ زبان من آن است که «چو ایران مباشد تن من مباد»». در مورد تهمت غرب‌گرایی‌اش نیز باید گفت که از جمله منتسب به تقی‌زاده درباره از فرق سر تا نوک پا غربی شویم نیز تفسیر بدی شده است، خود تقی‌زاده بعدها اظهار می‌دارد: «البته ما می‌خواستیم فرنگی‌مآب بشویم ولی هیچ‌وقت نمی‌خواستیم فرنگی بشویم» و تصریح می‌دارد: «و اگر چنانکه اشاره فرموده‌اید، من مردم را در بیست‌وهفت سال قبل به اخذ «تمدن فرنگی» از ظاهر و باطن و جسمانی و روحانی تشویق کرده‌ام هیچ‌وقت قصدِ این‌گونه تقلید مجنونانه و سفیهانه تجملی نبوده. بلکه قصد از تمدن ظاهری فرنگ پاکیزگی لباس و مسکن و امورِ صحّی و تمیزی معابر و آب توی لوله، و آداب پسندیده ظاهری و ترکِ فحشِ قبیح در معابر... و تقلید به آمدنِ سَرِ وقت و اجتناب از پرحرفی بی‌معنی و بی‌قیمتی وقت... بوده. و مراد از تمدّن روحانی میل به علوم و مطالعه و بنای دارالعلوم‌ها و طبع کتاب و اصلاح حالِ زنان و احتراز از تعدّد زوجات و طلاقِ بی‌جهت... و پاکی زبان و قلَم و احترام و درستکاری و دفع فساد و رشوه و مَداخِل و باز هزاران... امور معنوی و حقوقی و اخلاقی و آدابی دیگر بوده که تعداد آنها هم ده صفحه دیگر می‌شود». تقی‌زاده در ادامه مثالی می‌آورد: «من بدون یک ثانیه تردید ترجیح می‌دهم که وکلای مجلس قبای قدَک و لباس گشادِ هفتاد سال قبل را بپوشند و ریش داشته باشند ولی اگر جلسه ساعت سه‌ونیم اعلام می‌شود ساعت پنج نیایند، و شش‌ونیم رئیس به طالار جلسه نرود که نیم‌ساعت دیگر برای حصول اکثریت منتظر شود، و بیست دقیقه پس از حصول اکثریت باز جمعی برای سیگار و چایی و صحبت بیرون بروند و باز جلسه از اکثریت بیفتد. [اینها را ترجیح می‌دهم] به اینکه همه ریش و سبیل را بتراشند و یقه آهاری تازه زده، شیک و شنگول بر کل آداب اجتماعی پسندیده فرنگی پشت پا بزنند... بدبختانه ما نه تمدّن ظاهری فرنگستان را گرفتیم نه تمدن معنوی آن را. از تمدّن ظاهری جز قمار و لباسِ میمون‌صفت و خودآرایی با وسائل وارده از خارجه، و از تمدّن باطنی آنها نیز هیچ چیز نیاموختیم جز آنکه اِنکارِ ادیان را بدون ایمان به یک اصل و یک عقیده معنوی دیگر، فرنگی‌مآبان ما آموختند. در این باب سخن آنقدر زیاد است که در پنجاه صفحه هم نگنجد».

تقی‌زاده علاوه بر آنکه یکی از رجل سیاسی برجسته تاریخ ایران به شمار می‌رود در زمره محققان و مؤلفان و مترجمان بنام کشور نیز بود. وی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، عربی و ترکی تسلط داشت و با چند زبان دیگر نیز آشنا بود. در کارنامه علمی و پژوهشی تقی‌زاده تعداد پرشماری مقاله به زبان‌های مختلف در نشریات داخلی و خارجی به چشم می‌خورد. از ترجمه‌های او می‌توان به «تمدن‌های اولیه» تألیف گوستاو لوبون و «شگفتی‌های آسمان» تألیف فلا ماریون اشاره کرد. «مقدمه تعلیم عمومی» و کتاب ارزنده «از پرویز تا چنگیز» و کتابی تحت عنوان «گاه‌شماری در ایران قدیم» رساله‌ای در مورد «مانی و مانویت»، «تاریخ عربستان و قوم عرب»، «تاریخ انقلاب ایران» و بسیاری کتب و مقالات دیگر از جمله آثاری است که این دانشمند فرهیخته به رشته تحریر در آورده است. تقی‌زاده سابقه تدریس در دانشگاه را نیز در کارنامه داشت. در مجموع سیدحسن تقی‌زاده یک انقلابی پرآوازه، سیاستمداری برجسته و دانشمندی فرزانه بود و می‌توان او را یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران دانست.

یادداشت

تلاش قطر برای میانجیگری بین ایران و عربستان

فرزاد رمضانی‌بونش*

قطر کشوری است در شرق شبه‌جزیره عربستان و در بخش جنوبی خلیج فارس واقع شده است. قطر در واقع خود شبه‌جزیره‌ای کوچک است که دریا آن را از غرب و شمال و شرق احاطه کرده است. این کشور دارای مرز مشترک خاکی با عربستان سعودی و مرز دریایی با ایران است. قطر در سال ۱۹۷۱ به استقلال رسید و ایران از نخستین کشورهایی بود که بعد از انگلستان، استقلال آن کشور را به رسمیت شناخت. در دهه ۱۹۷۰ دولت قطر کوشید تا از ایران به‌عنوان کشوری که می‌تواند ضامن حفظ امنیت و ثبات در منطقه باشد، بهره گیرد. قبلا نیز مقامات قطری از همان آغاز تحریم‌های کشورها به رهبری ریاض علیه خود تلاش کردند تا با نزدیک‌شدن به تهران خود را از تبعات سنگین تحریم‌ها در امان نگه دارند. بنابراین روابط ایران با قطر افزایش گسترده‌ای یافت. در سال‌های گذشته دوحه تلاش کرده هم به قدرت‌های فرامنطقه‌ای آمریکا و اروپا در منطقه خاورمیانه توجه کند و هم روابط خود را با دیگر دولت‌های منطقه گسترش دهد. از مهم‌ترین استراتژی‌ها و اولویت‌های سیاستمداران قطری کاهش تنش در منطقه خلیج فارس است. قطر در یک دهه گذشته تلاش کرده است میزبانی و میانجیگری اعراب و اسرائیل، افغانستان و طالبان، ایران با شورای همکاری خلیج فارس و ایران با آمریکا (به‌دنبال افزایش تنش ایران و آمریکا) را پیگیری کند. در واقع افزایش وزن سیاسی و قدرت نرم قطر نیز در روند کاهش تنش بین ایران و عربستان پیگیری می‌شود. همچنین دیپلماسی انرژی قطر در سایه رابطه مثبت با ایران، کاهش تنش بین ایران و عربستان و حفظ امنیت در منطقه قابل دسترس‌تر است. این کشور با گسترش روابط و تقویت پیوندهای خود بقا و امنیت خود را تقویت کرده است.از آنجا که دو کشور ایران و قطر دارای میدان گازی مشترک (پارس جنوبی) هستند، کاهش تنش بین ایران و عربستان در منطقه و تداوم همکاری در این حوزه به نفع قطر است. از نگاه دوحه ایران و عربستان بخشی مهم از جغرافیای منطقه هستند. در یک دهه گذشته نیز با توجه به تداوم رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان، دوحه اکنون کمک به کاهش تنش بین دو بازیگر مهم منطقه را به‌عنوان فرصتی برای امنیت بهتر خود در منطقه می‌داند. در بعد دیگری تلاش برای تبدیل قطر به مرکز دیپلماسی منطقه‌ای و میانجیگری در منطقه از مهم‌ترین استراتژی‌ها و اولویت‌های سیاستمداران دوحه است. آمادگی دوحه برای میانجیگری بین ریاض و تهران و کاهش تنش در زمانی است که روابط قطر با عربستان در حال عادی‌شدن است. در این بین با روی‌کارآمدن بایدن و گشوده‌شدن باب مذاکره وی با ایران ریاض به نظر، هم خواهان مشارکت در مذاکره واشنگتن با تهران و هم مایل به کاهش تنش‌ها با ایران در این دوره است. در بعد دیگری سعودی‌ها در سایه ورود بایدن به کاخ سفید، به‌دنبال تغییر رویکرد روابط منطقه‌ای خود هستند. از سوی دیگر نیز استقبال ظریف وزیر امور خارجه ایران از میانجیگری قطر برای مذاکره ایران با کشورهای عربی در شرایطی است که تهران نیز به کاهش تنش و آغاز روند عادی‌سازی روابط با عربستان پس از چند سال تنش و قطع روابط (ماجرای شیخ نمر و حمله به سفارت عربستان در تهران) بی‌میل نیست. آنچه مشخص است با حضور بایدن سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه هم دستخوش تغییر می‌شود. قطر اکنون تصور می‌کند که می‌تواند در یک جایگاه مذاکره‌کننده بهتر نقش یک سازنده صلح و کاهش تنش بین ایران و عربستان را ایفا کند. بااین‌حال هرچند روند عادی‌سازی روابط ایران و عربستان نیازمند بسترها و شرایط متعدد از سوی هر دو بازیگر است اما تلاش قطر در کنار فراهم‌شدن سایر متغیرها می‌تواند در کوتاه‌مدت تنش‌ها را کاهش داده و اندک‌اندک شرایط را برای عادی‌سازی روابط فراهم کند.

*پژوهشگر و تحلیلگر ارشد روابط بین‌الملل

نگاه

ظریف در مسکو:

امیدواریم آمریکا در رابطه تهران- مسکو خلل ایجاد نکند

روز گذشته محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، در ادامه تور قفقازی خود به مسکو رسید و ملاقات‌های گرمی با همتای روس خود داشت. در این ملاقات‌ها، همان‌گونه که از قبل پیدا بود، موضوع برجام و موضوعات منطقه و حل‌وفصل مسائل ما بین ایران و آمریکا مطرح شد. وزیر خارجه ایران در توصیف میزان مناسب‌بودن رابطه ایران و روسیه از صفت «یک رابطه اصیل» استفاده و اضافه کرد: «نوع روابط موجود بین دو کشور ایران و روسیه واکنش به روابط ما با دیگران نیست. ایران و روسیه، دارای دیدگاه‌های مشترک در سطح بین‌المللی هستند. ایران و روسیه در حوزه منطقه‌ای برای ایجاد صلح و امنیت در منطقه به صورت مشترک همکاری کردند، دیدگاه‌های دو کشور در ارتباط با حل‌وفصل بحران‌های سوریه، یمن، قفقاز و افغانستان بسیار نزدیک به هم است و از نزدیک با هم همکاری دارند. روابط ما با روسیه رابطه اصیلی است، سابقه روابط دو کشور از سابقه کل حیات آمریکا بیشتر است. رابطه تهران و مسکو وابسته به روابط با کسی نیست». ظریف در نشست خبری مشترک با همتای روس خود با بیان اینکه امید داریم دولت جدید ایالات متحده در روابط ما با دیگر کشورها از جمله روسیه خللی ایجاد نکند و از ایجاد مزاحمت برای روابط دو کشور دست بردارد، افزود: اقدامات غیرقانونی که در گذشته از سوی دولت آمریکا صورت گرفته مانع از این شده است که شرکت‌های ایرانی و روسی و همچنین دولت‌های دو کشور آن‌گونه که می‌خواستند روابطشان را در حوزه‌های مختلف گسترش دهند ظریف تصریح کرد: آنچه تاکنون از دولت جدید آمریکا شنیده‌ایم بیشتر در حد صحبت و اعلام موضع بوده است این در حالی است که ما پیش از این نیز گفته‌ایم ما به عمل پاسخ می‌دهیم و هرگاه آمریکا تحریم‌های غیرقانونی خود علیه ایران را که برخلاف برجام و تعهدات این کشور در قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل است، بردارد، آمادگی داریم به نحوی مناسب به این موضوع پاسخ دهیم. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز در دیدار با ظریف با تأکید بر اهمیت همکاری‌ها و مراودات اعتمادآمیز دو کشور در حوزه‌های دوجانبه و چندجانبه و با اشاره به گفت‌وگوهای مستمر رؤسای‌جمهور دو کشور در موضوعات مختلف مورد علاقه، از نجات برجام به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین موضوعات یاد کرد و خواسته روسیه مبنی‌بر اجرای تعهدات همه طرف‌ها در برجام را مورد تاکید قرار داد.همکاری در زمینه تأمین واکسن کرونا، مبادله هیئت‌های عالی‌رتبه بین دو کشور، همکاری‌ها در حوزه خزر، همکاری‌ها و امنیت در خلیج‌فارس، مسائل سوریه، لبنان، یمن، افغانستان، لیبی و همکاری‌های بین‌المللی دو کشور از دیگر موضوعات مورد گفت‌وگو و تبادل نظر وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و روسیه در این دیدار بود. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، روز گذشته در دیدار با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در مسکو گفت که مسکو و تهران هر دو مایل به احیای کامل برجام (توافق هسته‌ای) هستند. او گفت: نجات توافق هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات امروز است و روسیه و ایران هردو علاقه‌مند به اجراشدن کامل آن هستند. مسکو و تهران علاقه‌مند هستند که گفت‌وگوها بین کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را آغاز کنند. پیشبرد توافق صلح در افغانستان هم اهمیت ویژه‌ای برای دو کشور دارد. موضوع قره‌باغ نیز یکی از مسائل مهم دیدار ظریف و لاوروف بود. ظریف درباره این موضوع گفت: بعد از شروع درگیری‌های اخیر در قره‌باغ در تابستان و پاییز سال گذشته میلادی ایران تلاش بسیار خوبی کرد که یک راهکار منطقه‌ای برای حل‌وفصل این بحران ارائه کند. در این زمینه من چندین‌بار گفت‌وگوهایی با آقای لاوروف داشتم و در همین راستا آقای عراقچی به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور ایران راهی منطقه شد و طرح پیشنهادی ایران برای حفظ صلح در منطقه و پایان درگیری را به دوستانمان ارائه کرد و خوشحال هستیم که روسیه با ارائه راه‌حلی شبیه به راه‌حل ما این تلاش را کرد که بحران در منطقه قره‌باغ به پایان برسد. امروز زمینه برای شکوفایی قره‌باغ و افزایش همکاری‌ها فراهم شده است. به‌خصوص اینکه کشورهای منطقه در حوزه‌های اقتصادی و ترانزیتی مشارکت و همکاری بیشتری داشته باشند. وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به سفر منطقه‌ای خود به کشورهای آذربایجان، روسیه، ارمنستان، گرجستان و ترکیه اظهار کرد: در این سفر ما تلاش داریم که دیدگاه‌های متفاوتی را که تاکنون برای افزایش همکاری‌های منطقه‌ای مطرح شده، بررسی کنیم تا زمینه برای افزایش همکاری‌ها فراهم شود. تاکنون شاهد واکنش‌های مثبتی به این تلاش‌ها بوده‌ایم و امیدواریم در سفر به سه کشور باقیمانده نیز شاهد همین واکنش‌های مثبت باشیم تا بتوانیم با همکاری یکدیگر به سمت یک نظام همکاری در منطقه به پیش برویم و از فرصت ایجادشده برای ساختن یک آینده بهتر استفاده کنیم.

کارت شناسایی اینجانب **حمیدرضا خلیلی** به شماره تسهیلات ۱۲۳۰۰۱۷ مربوط به **شرکت هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران هما** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **سورنا سالمی** فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۱۴۵۹ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی صنایع صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۳۷۴۱۱۵۰۰۱۷۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، بلوار استقلال، مجتمع دانشگاهی ارسال نماید.

سند کمپانی **خودرو پژو پارس TU5** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور 139B0177667 و شماره شاسی NAAN11FE9LH291124 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت شناسایی اینجانب **محمدرضا شاهبازی لکرانی** به شماره تسهیلات ۱۱۶۲۹۰۰ مربوط به **شرکت هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران هما** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده

شرکت سرمایه گذاری همیاران چتر سفید به شماره ثبت ۸۲۰۹

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت سرمایه گذاری همیاران چتر سفید دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۹۹/۱۱/۲۶ در دفتر شرکت به آدرس تهران، چیتگر، بلوار کوهک، برج طوبی، بلوک A اداری، طبقه ۸، واحد ۱ تشکیل می شود حضور بهم رسانند. لازم به ذکر است جهت ثبت صور تجلسات، نیازمند معرفی نامه نماینده قانونی برای اشخاص حقوقی می باشد. **دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده:** ۱- انتخابات اعضای

نیما باغبانی مدیر عامل

برگ سبز **خودرو تیبا۲** مدل ۱۳۹۸ مشکی متالیک به شماره پلاک ایران ۲۰_ ۴۴۷ ل ۸۲ و شماره موتور M15/8819984 و شماره شاسی NAS821100K1235607 به نام **زهرا کارشناس** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

جناب آقای محمد سلطانی

احتراما به استحضار می رساند که جنابعالی بر اساس دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۱۷۳۰۱۰۷۲ مورخه ۳۰ / ۷ / ۱۳۹۹ و قطعیت شماره ۹۸ / ۲۷۳ / ۱۵۰۶ مورخه ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۹۹ ملزم و محکوم به مطلقه نمودن همسر خویش خانوم محبوبه سیر شده اید. لذا پیرو اخطار قبلی حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز با در دست داشتن مدارک به دفتر طلاق ۱۰ تهران واقع در میدان نوبنیاد، پلاک ۶۱۰ حاضر شوید، در غیر اینصورت طبق مقررات اقدام خواهد شد و اعتراض بعدی شما مسموع نخواهد بود.

سر دفتر طلاق ۱۰ تهران علی قاسمی

برگ سبز، بیمه نامه و کارت **خودرو پژو ۲۰۶** رنگ خاکستری روشن متالیک مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ایران ۲۱_ ۲۵۹ ق ۶۸ و شماره موتور 10FX5V2345100 و شماره شاسی ۱۱۸۰۵۳۶۵ به نام ابراهیم آذرنیوشان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.